

صاحب امتیاز:

فرهنگری جمهوری اسلامی

آدان شهر ۱۲/۱۷ | آدان مغرب ۱۸/۱۶ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ | آدان صبح فردا ۵/۱۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۶

امام موسی کاظم (ع):

هر که می خواهد قوی‌ترین مردم باشد بر خدا توکل نماید.

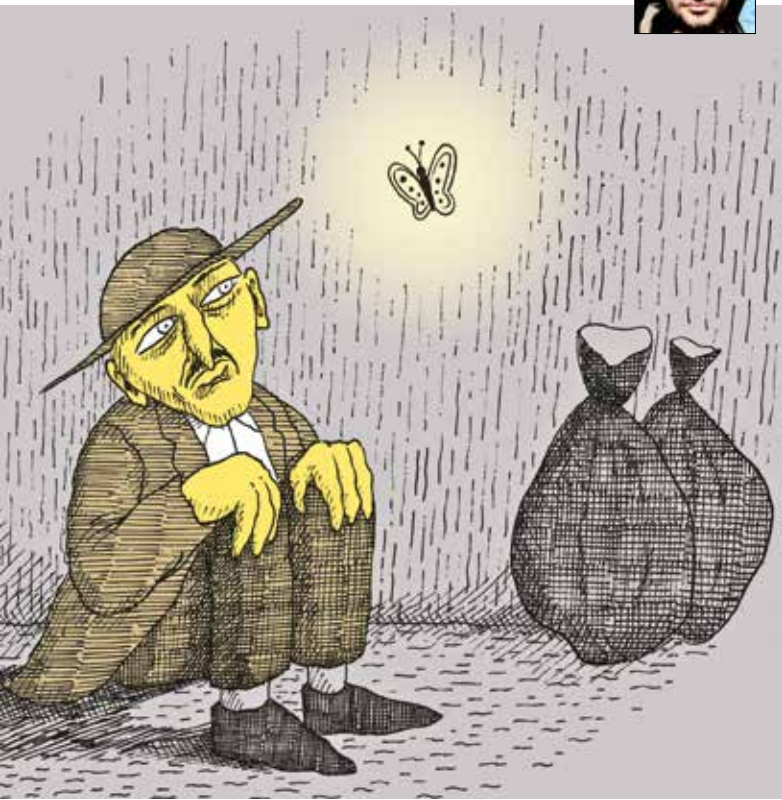
سخن روز



نگاره

کیان رادپویان

تماشای زیبایی زندگی



دیروز یکی دیگر از استوانه‌های هنر گویندی و دوبله ایران چهره در نقاب خاک کشید و از دست رفت. رفعت هاشم‌پور، همسر جلال مقامی بود که مثل خود او سایه‌اقی طولانی در گویندی رادیو و دوبله داشت و نقش‌های ماندگاری از او به جا مانده است. هنرمندان بسیاری درگذشت او را تسلیت گفتند و ابراز تأسف از رفتن این هنرمند کردند.

فقدان

هنرمندان بسیاری درگذشت گوینده سرشناس ایرانی رفعت هاشم‌پور را تسلیت گفتند و در اینستاگرام‌شان با وی وداع کردند.

محمدرضا سرشار نویسنده و گوینده رادیو در پستی با انتشار یک عکس از این گوینده فقید درباره پرونده کاری او نوشت. در بخشی از متن سرشار آمده است: «او فعالیت به عنوان سرپرست گویندگان را از سال ۱۳۵۳ در تلویزیون آغاز کرد و «چوپایان کوبر» (ساخته حسین محجوب) نخستین فعالیت سینمایی مستقل او به عنوان سرپرست گویندگان بود. وی همچنین به عنوان سرپرست گویندگان در برخی مجموعه‌های تلویزیونی نیز فعال بود که از مهم‌ترین فعالیت‌هایش در این زمینه، مدیریت دوبلاژ سریال «قصه‌های جزیره» در اواسط دهه ۷۰ بود. در این سریال خود او ابتدا به‌جای نقش دیگری حرف می‌زد، اما در ادامه ترجیح داد که به‌جای شخصیت هتی کینگ (با نقش آفرینی جکی باروز) حرف بزند که این نقش گویی او نیز بسیار مورد توجه قرار گرفت.

دیگر فعالیت‌اش او در اواخر دوران کاری، گویندی در فیلم «راه رفتن مرد مرده» به‌جای سوزان سازاندون بود که در ایران با نام «آخرین گام‌های یک محکوم به مرگ» (نام رمانی می‌باشد که فیلم از روی آن تهیه شده‌است) نمایش داده شد. وی در زمینه گویندی فیلم‌های مستند هم تسلط خود را به نمایش گذاشته است. رفعت هاشم‌پور از اواخر دهه ۷۰ به بعد رفته رفته به ندرت گویندی می‌کرد و بیشتر به آموزش دوبله به هنرجویان جوان پرداخت. وی در دهه ۱۳۸۰ سریال «پادشاهان قصرهای پوشالی» را مدیریت کرد.

از جمله کارهای فاخر رادپویی وی، ایفای نقش حضرت آمنه مادر گرامی پیامبر، در مجموعه از سرزمین نور به قلم محمدرضا سرشار بود. جواد پزشکیان، بهمن هاشمی، افشین هاشمی، پرویز پرستویی، نیکی مظفری، افشین نینوری و سعید شیخ‌زاده درباره این هنرمند نوشتند. جلال مقامی همسر این هنرمند درگذشته و گوینده پیشکسوت نیز در اینستاگرامش از همدردی دوستان دور و نزدیک و همکاران‌شان تشکر کرد.

چهره‌ها

تینا باکوران کارگردان سریال «خاتون» با انتشار عکسی به صحنه ورود آوارگان لهستانی به ایران در زمان جنگ جهانی دوم اشاره کرد و در توضیح عکس نوشت: «آوارگان لهستانی در ایران ۱۳۲۱، بازسازی در سریال خاتون ۱۴۰۰. عکس را خودم گرفته‌ام.»

پوران درخشنده کارگردان سینما هم عکسی از تهران در شب منتشر کرد و در توضیح‌اش نوشت: «خداندوای آ آرامش دهنده قلب ها، خداونداتو تنها پشت و پناهی، خداوندنا قسمت ات می دهم، هرگز نگاهت را از ما نگیر و هرگز دستمان را رها نکن. ای مهربانترین ای بهترین یار …..الهی امین»

رضادرمیشیان در اینستاگرام خود اولین ویدیو از فیلم «لامینور» داریوش مهرجویی را منتشر کرد و در توضیح‌اش نوشت: برنامه نوروز ۱۴۰۱ سینماهای سراسر کشور، آغاز ارکان: ۱۸ اسفند ۱۴۰۰. بازیگران: علی نصیریان، پردیس احمدیه، سیامک انصاری، بیتا فرهی، علی‌صفا، مهرداد صدیقیان، بهنام جعفری،‌گاوہ آفاق، امرالله صابری، رضا داوودنژاد، دیبا زاهدی، سیامک ادیب، محمد رضا شهبانی نوری، شراره رنجبر، محمد جواد جعفرپور، مهرنوش ذوالفقاری، محماد هادی عطایی، مهدی مرتضایی، یاسمن کوزه‌گر، هومن بهزادی، شیدا مودب، هانا وارسته، سبحان خسروی، احمد یوری، فرهاد ریش سفیدی، علی بلوردی و فریماه فرجامی.»
رضادرمیشیان که خودش کارگردان صاحبنامی ست تهیه‌کنندگی این فیلم مهرجویی را به عهده داشته است.

فرهاد حسن‌زاده نویسنده حوزه کودک و نوجوان که تاکنون چندین و چند جایزه ملی و بین‌المللی را به دست آورده، طرحی گرافیکی در اینستاگرام خود منتشر و شعری به این مضمون که: «کودکان فراموش نخواهند کرد/ روز ضمیمه که آرزوی من است که بر شاخه‌ها بر بارش خورشید و آغوش مادران/ پناهگاه پرنده‌های بی آشیانه گشت.»

■ **دنیای نثر**

نثر نیم‌ازد در صفحه اینستاگرام خود خبر از چاپ دوم یکی از کتاب‌های منتشر شده‌اش را داده و در توضیح نوشته: کتاب «جستارهایی درباره زن» نوشته سوزان سانتاگ و با ترجمه آذر جوادزاده به چاپ نوم رسید. سانتاگ که با نگارش آثاری چون علیه تفسیر، درباره عکاسی، تماشای رنج دیگران، در امریکا، دوست‌دار آتشفشان و سفرنامه‌ها از جنگ ویتنام و ساریوو و بسیاری آثار دیگر از جمله مهم‌ترین نویسندگان منتقد امریکا و چهره‌ای جهانی و مشهور به‌شمار می‌آید، این‌بار در جستارهایش درباره زنان می‌نویسد و با جسارت و شجاعت از چه‌سختی و مقاومت در برابر تاریکی سخن می‌گوید و مسئولیتی برای کشف و تغییر به سمت روشنا را قائل می‌شود.

و

این نگاه‌سودجویانه‌است

شمسی فضل‌اللهی: تنها یک مادربزرگ را نوشته‌اند و من هم می‌گویم این همه زن سالخورده، سراغ یکی دیگر بروید. برخی از فیلمنامه‌نویسان نقش درست یک مادربزرگ را در قصه پیدا نمی‌کنند؛ شاید خودشان نداشته‌اند. زنان ما هیچ‌گاه کم از مردان ما نبوده‌اند. این همه زن هستند که به‌جای خود را بخوبی بزرگ کرده‌اند. حتی اگر مادربزرگ هم نداشته‌ای از همین زنان می‌توانی برای کارات الگو بگیری. به دلیل نداشتن همین نگاه، غالب داستان‌های ما مردانه پیش می‌رود. آتقدر به این فکر می‌کنند که جوان‌ترها برای شان سرمایه می‌شوند، خیال می‌کنند سالخورده‌ها این سرمایه را به‌دنبال ندارند. این نگاه به بازیگران کمی سودجویانه و بدون فکر است.

از صحبت‌های این بازیگر با مهر



گوینده‌ای فرهیخته‌که صدایی ماندگار داشت

رسالت، اگر گفتم که ایشان بسیار منضبط بود باید بگویم از سوی دیگر ایشان خیلی هم صمیمی بودند. ایشان به افراد منضبط بسیار احترام می‌گذاشتند.

در سریال «سنگ و شیشه» که نوشته خودم بود و جمشید حیدری کارگردان آن بودند و در استودیوی خودم کار می‌کردم، قرار شد یکی از نقش‌ها را خانم هاشم‌پور بگویند و نقش دیگری را مرحوم شهلا ریاحی، خانم ریاحی هر جا نام رفعت هاشم‌پور بود کار نمی‌کرد. می‌گفت امکان ندارد صدای من کنار صدای ایشان باشد. اما من به خانم ریاحی گفتم که این نقش شماست و آن هم نقش خانم هاشم‌پور است. بالاخره خانم ریاحی به احترام من قبول کرد و نتیجه کار بسیار خوب از کار درآمد. این برپرز ازشمنند بود. من در تمام سال‌های کارم با خانم هاشم‌پور احترام بسیاری برای ایشان قائل بودم و ایشان هم همین‌طور.

ایشان گوینده‌ای فرهیخته و باسواد بودند. یکی دیگر از نمونه‌های برجسته گویندی ایشان در فیلم «معجزه گر» است که به جای «آن بنکرافت» در نقش «آنی سالیون» صحبت کرده است. این نقش یکی از اجراهای ماندگار رفعت هاشم‌پور است. او همچنین به‌عنوان سرپرست گویندگان در برخی مجموعه‌های تلویزیونی هم فعال بود که از مهم‌ترین فعالیت‌هایش در این زمینه، مدیریت دوبلاژ سریال

«قصه‌های جزیره» در اواسط دهه ۷۰ بود. سریالی که خیلی هم پربیننده بود. خانم هاشم‌پور در این سریال ابتدا به‌جای نقش دیگری حرف می‌زد، اما در ادامه ترجیح داد که به‌جای شخصیت هتی کینگ با نقش آفرینی جکی باروز حرف بزند که این نقش گویی او نیز بسیار مورد توجه قرار گرفت. او علاوه بر اینکه دوبلو هر ماهر ی بود بلکه در زمینه گویندی فیلم‌های مستند هم تسلط خود را به نمایش گذاشت. یاد و نام این هنرمند فرهیخته گرامی و روحش شاد.



به مناسبت شهادت مظلومانه امام موسی کاظم (ع)

غرش ابرهای کینه

در آسمان بغداد

۲۵ رجب یادآوروقعه جاسوسز شهادت امام موسی کاظم(ع) هفتمین پیشوای مسلمانان به دست حاکمان خلافت عباسی است. آن حضرت پس از تحمل دو دهه حوادث ناگوار، زندان، شکنجه، محدودیت و رفتارهای طاقت سوز سرانجام در زندان سندی بن شاهک به امر هارون الرشید خلیفه وقت عباسی به شهادت رسید. دستگاه خلافت عباسی بلافاصله بعد از به شهادت رساندن آن حضرت از طریق خوراندن زهر، جهت سلب مسئولیت و تیرنه خود، شبانه جمع ۵۰ نفره معتمدین شهر بغداد را فراخوانده و از آنان اقرارگرفت که امام(ع) به مرگ طبیعی درگذشته است؛ هارون الرشید به این هم بسنده نکرده و شخصاً جمع زیادی را در میدان شهرگرد هم آورد، آنگاه دستور داد تا پیکر امام(ع) را آورند و ۷۰ نفر از شیعیان را واداشت تا پیکر آن حضرت را مشاهده کنند و اگر اثر شکنجه یا خفگی دیدند گزارش کنند. هارون درصدد بود تا به هر ترفندی است مسئولیت شهادت امام موسی کاظم(ع) به پای دستگاه نوشته نشود و درگذشت آن حضرت امری عادی تلقی شود. هارون در کنار این اقدام هدف دیگری را دنبال می کرد و آن فاقد گرایش اجتماعی نشان دادن امام موسی کاظم(ع) بود. از این‌رو پیکرپی جان امام(ع) را روی پرفت و آمندرتین پل بغداد قرار داد و روی آن را گشوده و مأموران سرکش وگستاخ را گمارد تا با صدای بلند اعلام کنند: «این امام و پیشوای رافضیان (شیعیان) است اورا بشناسید! این همان موسی بن جعفر است که رافضیان می‌گویند او نمی‌میرد، پس اورا برنگرد که مرده است.» هارون الرشید با این اقدام خود قصد



داشت ضمن بد نام کردن شیعیان با نسبت دادن دروغی بزرگ به آنان و تحقیر شیعیان و توهین به پیشوای آنان زمینه را برای اعمال فشار بیشتر بر شیعیان و قلع و قمع آنان فراهم سازد. این اقدام دستگاه خلافت عباسی بقدری جسورانه و با حرمت‌شکنی نواده رسول خدا(ص) همراه بود که «اسلمیان بن ابی جعفر منصور» عموی خلیفه از ترس قیام شیعیان دستور داد تا افرادی بروند و پیکر امام را از شرط‌ها بگیرند و بیاورند. آنگاه دستور داد تا پیکر امام(ع) با احترام غسل و کفن شده و در قبرستان قریش در حاشیه شهر بغداد دفن شود. در ادامه خود نیز پیشاپیش تشییع‌کنندگان درآورد، با پا و سربرهنه به تشییع آمد و پیکر امام را درقبر گذارد و در رئای آن حضرت مرثیه سرود. این ترفند موجب شد اهالی بغداد به جای خانواده و پیروان و شیعیان خالص آن حضرت، سلیمان را صاحب عزا شناخته و برای تسلیت‌گویی به سوی وی بروند!

اگر بخواهیم مقایسه‌ای میان زندگی امام موسی کاظم(ع) و دوران حیات سایر امامان شیعه داشته باشیم، می‌بینیم که سال‌های پایانی عمر امام کاظم(ع) سخت‌ترین مراحل بوده و بیشترین آزار و اذیت در این دوره متوجه امام بوده است. این دوره که بیش از چهارده سال به طول انجامید عباسیان تمامی کینه‌های اناشته خود را نسبت به امام روا داشتند و با ریا و تزویر برپرسیاری از آنها پرده پوشاندند. عباسیان سیاستی را بی ریختند که ضمن محدود کردن امام(ع) و فاصله انداختن میان آن حضرت و مسلمانان، از طریق زندانی کردن امام(ع) یک سو و دستگیری وکشش جمعی شیعیان ازسوی دیگر(تا آنجا که بسیاری از آنان مجبور به کوچ و فرار به مناطق کوهستانی ایران شدند)، زمینه به قتل رساندن فرزند رسول خدا را هم فراهم آوردند و سرانجام آن حضرت را در زندان مسوم و به شهادت رساندند.

از « جشن تصویر

سال و تاخت» دیدن کنبد

دو رویداد مهم را که در حال برگزاری است به مخاطبان دوستداران حوزه تجسمی معرفی می‌کنم. یکی جشن محدودیت و رفتارهای طاقت سوز سرانجام در زندان سندی بن شاهک به امر هارون الرشید خلیفه وقت عباسی به شهادت رسید. دستگاه خلافت عباسی بلافاصله بعد از به شهادت رساندن آن حضرت از طریق خوراندن زهر، جهت سلب مسئولیت و تیرنه خود، شبانه جمع ۵۰ نفره معتمدین شهر بغداد را فراخوانده و از آنان اقرارگرفت که امام(ع) به مرگ طبیعی درگذشته است؛ هارون الرشید به این هم بسنده نکرده و شخصاً جمع زیادی را در میدان شهرگرد هم آورد، آنگاه دستور داد تا پیکر امام(ع) را آورند و ۷۰ نفر از شیعیان را واداشت تا پیکر آن حضرت را مشاهده کنند و اگر اثر شکنجه یا خفگی دیدند گزارش کنند. هارون درصدد بود تا به هر ترفندی است مسئولیت شهادت امام موسی کاظم(ع) به پای دستگاه نوشته نشود و درگذشت آن حضرت امری عادی تلقی شود. هارون در کنار این اقدام هدف دیگری را دنبال می کرد و آن فاقد گرایش اجتماعی نشان دادن امام موسی کاظم(ع) بود. از این‌رو پیکرپی جان امام(ع) را روی پرفت و آمندرتین پل بغداد قرار داد و روی آن را گشوده و مأموران سرکش وگستاخ را گمارد تا با صدای بلند اعلام کنند: «این امام و پیشوای رافضیان (شیعیان) است اورا بشناسید! این همان موسی بن جعفر است که رافضیان می‌گویند او نمی‌میرد، پس اورا برنگرد که مرده است.» هارون الرشید با این اقدام خود قصد

پیشنهاد می‌کنم به محل خانه هنرمندان ایران سری بزنند و این مجموعه آثار را ببینند. این نمایشگاه از ۶ اسفندماه در محل خانه هنرمندان ایران افتتاح شد و تا ۲۶ اسفندماه هم ادامه دارد. نوزدهمین دوره جشن تصویر سال و جشنواره فیلم تصویر همچون دوره‌های گذشته در رشته‌های عکاسی، گرافیک، کاریکاتور و فیلم با همراهی خانه هنرمندان ایران و در اختیار داشتن تمامی فضاهای نمایشگاهی ونمایش فیلم خانه هنرمندان در حال برگزاری است.

رویداد دیگر هم نمایشگاه «تاخت» اثر محمود آزادنیاست که در گالری نشر ثالث در حال برگزاری است. این نمایشگاه هم از ۶ اسفندماه افتتاح شد و تا ۱۸ اسفندماه در گالری ثالث، میزبان علاقه‌مندان به آثار نقاشی است. محوریت این آثار اسب است و تلفیق خوبی از شکل کلاسیک و مدرن نقاشی است. محمود آزادنی از کارتونیس‌های مطرح کشور است و جوایز بین‌المللی بسیاری برده است. او چهره دوست‌داشتنی و محبوب کارتون است. آثار نقاشی او هم قابل توجه است زیرا او قبل از اینکه وارد وادی کارتون شود، نقاشی می‌کرد الا ن هم به همان فوت نقاشی می‌کند و کارهایش دیدنی است. مجموعه آثار این هنرمند با عنوان «تاخت» را پیشنهاد می‌کنم در نشر ثالث ببینید و از آن لذت ببرید.



رنج را دوست ندارم؛ هرگز دوست نخواهم داشت اما باید قبول کرد که آموزگار خوبی است.

کریستین بوبن دیوانه‌وار

خروج از کلیشه‌های زندگی ۲/

توهم همه چیزدانی!

ایرک فروم روان‌کاو، جامعه‌شناس امریکایی- آلمانی‌تبار در یکی از کتاب‌هایش: «هنر بودن» می‌نویسد: «شاید بزرگ‌ترین مانع بر سر یادگیری هنر بودن «دروغ بزرگ» باشد. ظاهراً دروغ منحصر به عرصه روشنفکری نیست بلکه برعکس روشنفکرنامی فقط یکی از جلوه‌های آن دروغ بزرگی است که بر تمامی عرصه‌های اجتماعی تسلط پیدا کرده است. پدیده‌هایی چون محصولات کهنه یا کار افتاده محصولات بیش از حد گران یا عملاً بی فایده، آگهی‌های بازرگانی که ترکیبی از نوک سوزنی حقیقت با یک کوه دروغ هستند و بسیاری پدیده‌های اجتماعی دیگر جزء کوچکی از یک دروغ بزرگ هستند.»

او می‌نویسد: «مهم‌ترین عامل این است که اغلب مردم به شکل سطحی با مسائل برخورد می‌کنند. آنها فقط کلمات یا مفاهیم را می‌شنوند یا می‌خوانند اما دقت و کنجکاوی لازم را برای اثبات صحت و سقم مطالب نویسنده به خرج نمی‌دهند.»

بگذارید بخش مهمی از این «دروغ بزرگ» را در قالب همین کلیشه‌های زندگی بدانیم. کلیشه‌هایی که شاید هیچ‌گاه به عمق آنها نمی‌رویم تا یک‌بار دیگر با نگاه «خود» به آن نگاهی بیندازیم و آن را انتخاب کنیم یا دور بیندازیم. چرا چنین می‌کنیم؟ شاید یکی از دلایلش را بتوان در «توهم دانستن» خلاصه کرد و دلیل دیگر را همین «سطحی بودن» که فروم هم به آن اشاره می‌کند. بگذارید با این مقدمه سری بزنیم به دنیای مجازی؛ دنیایی که جلوه‌هایی از «بودن» ما را تعریف می‌کند اما کلیشه‌هایی را بر ما تحمیل می‌کند. در یک فضایی مثل اینستاگرام شما بیشتر احتمال دارد به سمتی بروید که در لایه‌ای سطحی همه چیز را به اشتراک بگذارید و در یک فضای دیگری مثل تویتر گویی کلیشه‌وار محاب می‌شوید درباره همه اتفاقات اجتماعی واکنشی داشته باشید و این اصل «توهم دانستن است». بعد بر اساس کلیشه‌های ذهنی نسبت به هر سخنی که خارج از کلیشه ذهنی ماست واکنش نشان می‌دهیم و از همین جا درهای گفت‌وگو را می‌بندیم در حالی که واقعیت این است از ابتدا هر فردی که به دنیای مجازی پناهی آورده در حال گریز از تنهایی بوده است اما گویی در این گریز گرفتار می‌شود.

در وجود ما انسان‌ها میل به اشتراک گذاشتن مفاهیم و دغدغه‌ها و حتی در ساده‌ترین شکلش میل به اشتراک گذاشتن کلمات وجود دارد. ما دوست نداریم با خودمان صحبت کنیم بلکه می‌خواهیم شنیده شویم. برای همین است که در فضاهای مجازی و برای عقب نماندن از قافله موضوعات روز، سخن می‌گویم. گویی تنها بودن با خود و عمیق شدن در یک فکر گاهی ما را می‌ترساند. برای همین اسیر کلیشه‌ها می‌شویم. اگر هم به این نتیجه برسیم که باید از کلیشه‌ها راه گریزی پیدا کنیم گویی باید آن فضا را ترک کنیم. شاید همین ترس است که نمی‌گذارد از کلیشه‌های دنیای واقعی هم فرار کنیم. واقعیت این است که در فضای مجازی صدها هزار حرف درباره یک موضوع بیان می‌شود اما اگر بخواهیم بسیار قلیلی می‌رسیم. موضوع این است که بودن در این دام «همه چیز دانی» به مرور ما را بیشتر در کلیشه خود فرو می‌برد و ما را از عمیق شدن و رها کردن کلیشه‌ها می‌ترساند. توهم دانستن خود روی دیگر سطحی نگری است. برای همین است که هر روز گویی سوار بریک موج در فضای مجازی هستیم و گویی علاقه نداریم با حقیقت بزرگ هر مسأله روبه‌رو شویم و همان نوک سوزنی حقیقت برایمان کافی است؛ حتی اگر با یک کوه دروغ همراه باشد.



عکس نوشت

دومین جشنواره و نمایشگاه هنری توانیابان هنرمند(مهام) عصر جمعه ۶ اسفندماه با حضور محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مؤسسه فرهنگی و هنری صبا گشایش یافت./ ایرنا